

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

صص: ۱-۲۲

ساخت ملکی در کردی گورانی:

رویکردی رده‌شناختی

پارسا بامشادی*

شادی انصاریان**

چکیده

ساخت ملکی یکی از ساخت‌هایی است که در پژوهش‌های رده‌شناسی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده و ویژگی‌های گوناگون آن در میان زبان‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند تا به واکاوی ساخت ملکی در کردی گورانی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته و آن را از نظر آرایش سازه، شیوه پیونددهی میان مالک و مملوک، میزان آمیختگی میان این دو و نیز تمایز مالکیت انتقال‌پذیر از انتقال‌ناپذیر بررسی کنند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که کردی گورانی از نظر رده‌شناختی در زمره زبان‌هایی است که برای ملکی‌سازی در سطح گروه از دو راهبرد ساده بهره می‌گیرد: الف) راهبرد هم‌کناری با آرایش NG و عناصر مستقل از هم؛ ب) راهبرد وندافزایی با آرایش NG و عناصر پیوندی. در سطح

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

parsa.bamshadi@gmail.com

ansarian.shadi@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی

جمله نیز ساخت‌های «داشتن» و «متعلق‌بودن» را به‌کار می‌گیرد که میان این دو از لحاظ آرایش سازه، معرفگی یا نکرگی مالک و مملوک، و همچنین انتقال‌پذیری و انتقال‌ناپذیری مالکیت تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

رده‌شناسی، ساخت ملکی، کردی گورانی، مالکیت انتقال‌پذیر، مالکیت انتقال‌ناپذیر.

۱. مقدمه

در رده‌شناسی زبان به بررسی و واکاوی پدیده‌ها و ساخت‌های گوناگون در میان زبان‌های جهان پرداخته می‌شود. یکی از انگیزه‌های این گونه بررسی‌ها می‌تواند شناسایی ویژگی‌های مشترک و همگون در میان زبان‌ها به‌رغم ناهمگونی‌های بسیاری باشد که در نگاه نخست به‌چشم می‌خورد. سانگ^۱ (۲۰۰۱: ۳) کار رده‌شناسی را پاسخ‌دادن به این پرسش می‌داند که محتمل‌ترین و نامحتمل‌ترین پدیده‌ها در زبان آدمی کدام‌ها هستند؟ رده‌شناسان برای پاسخ‌دادن به این پرسش به کنکاش در ساخت‌ها و پدیده‌های گوناگونی می‌پردازند که در زبان‌های آدمی دیده می‌شود. دستاورد این تلاش را می‌توان در دو یافته فشرده کرد: یکی شناخت جهانی‌های زبان و دیگری دسته‌بندی زبان‌های جهان. جهانی‌های زبان ویژگی‌هایی هستند که در بیش‌تر (و نه لزوماً در همه) زبان‌ها دیده می‌شوند. دسته‌بندی زبان‌ها برپایه الگوهای همسانی انجام می‌گیرد که در میان زبان‌ها یافت می‌شود و زبان‌های دارنده آن الگو را در یک رده یا دسته جای می‌دهند. یکی از ساخت‌هایی که توجه رده‌شناسان را به‌سوی خود جلب کرده، ساخت ملکی است. در ساخت ملکی مفهوم پیوند میان دو چیز نمایانده می‌شود که یکی از آن‌ها را

^۱ J. J. Song

«مالک» و دیگری را «مملوک» می‌نامند. این پیوند دربردارنده معنا و مفهوم «تعلق داشتن» است که مفهومی یک‌سویه می‌باشد؛ یعنی «مملوک» به «مالک» تعلق دارد (استاسن^۱، ۲۰۰۹: ۱۱). این جستار برآن است تا ساخت ملکی را در کردی گورانی از دیدگاه رده‌شناسی بررسی نماید. کردی گورانی که در بخش‌هایی از شهرستان‌های دالاهو، سرپل ذهاب، قصر شیرین و کرمانشاه در استان کرمانشاه بدان سخن گفته می‌شود، یکی از گویش‌های جنوبی زبان کردی است و پاره‌ای از یافته‌ها و دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به دیگر گویش‌های جنوبی زبان کردی و بیش از همه به گویش کلهری تعمیم داد.

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی در چهارچوب رده‌شناسی زبان انجام شده است. داده‌های پژوهش که دربرگیرنده صدها نمونه از ساخت ملکی در کردی گورانی (چه در سطح گروه و چه در سطح جمله) است، از گفتار روزمره گویشوران گردآوری شده و توسط خود نگارندگان، که گویشوران بومی کردی گورانی هستند، اعتبارسنجی و بررسی شد.

سازمان‌دهی بخش‌های این مقاله این گونه است که بخش دوم به پیشینه بررسی ساخت ملکی می‌پردازد. در بخش سوم روش‌های گوناگون نمایش پیوند میان «مالک» و «مملوک» در رده‌شناسی زبان و نیز تمایز میان مالکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر بررسی می‌گردد. در بخش چهارم، ساخت ملکی در کردی گورانی واکاوی می‌شود و در واپسین بخش نیز نتیجه‌گیری پژوهش می‌آید.

¹ L. Stassen

۲. پیشینه پژوهش

تا آن‌جا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، تاکنون هیچ پژوهش قابل ملاحظه‌ای پیرامون ساخت ملکی در زبان کردی انجام نگرفته است. از این‌رو در این بخش پیشینه این موضوع در زبان فارسی ارائه می‌گردد.

همان‌گونه که شریفی (۱۳۸۸) می‌گوید، در دستوره‌های زبان فارسی چندان به موضوع ساخت ملکی پرداخته نشده است و بیش‌تر دستورنویسان (همچون مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۰ و وحیدیان و عمرانی ۱۳۹۰) آن را در زیر نام ساخت اضافه آورده‌اند. از این‌رو تحلیل روشن و فراگیری از این موضوع ارائه نشده است.

مشکوه‌الدینی (۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۸) می‌گوید: هنگامی که وابسته‌های پسین اسمی به یک اسم افزوده می‌شود، ساختاری به صورت [اسم - + گروه اسمی] پدید می‌آید که دارای مفاهیم گوناگونی است؛ یکی از این مفاهیم «مالکیت» یا «تعلق» است مانند خانه ما؛ کتاب این دانشجو. مشکوه‌الدینی یکی دیگر از مفهومی‌های گروه اسمی با ساخت اضافه وابسته اسمی را «اختصاص داشتن»، «تخصیص» و یا «مربوط‌بودن» چیزی به آدمی، جانور یا چیز دیگر می‌داند، مانند: اتاق من، لانه کبوتر، کلید در.

وحیدیان و عمرانی (۱۳۹۰: ۷۹-۸۱) گونه‌های اضافه را از دید پیوند میان مضاف و مضاف‌الیه «تعلق» یا «غیرتعلق» می‌دانند و می‌گویند: در اضافه تعلق میان مضاف و مضاف‌الیه رابطه ملکی یا وابستگی دیده می‌شود، اما در اضافه غیرتعلق چنین رابطه‌ای نیست.

اضافه تعلق: پرواز پرنده، کاغذ روزنامه، عنوان نامه

اضافه غیرتعلق: گل لاله، کوزه سفال، روز جمعه

ماهوتیان (۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۰۹ و ۱۵۰-۱۴۸) ساخت ملکی در زبان فارسی را با نگاهی رده‌شناسانه بررسی کرده است. وی نمایش ساخت ملکی را در فارسی بر سه شیوه می‌داند: الف) به کمک ساخت اضافه؛ ب) به کمک واژه‌بست؛ ج) به کمک عبارت «مال»؛ او بازنمود مالکیت در جمله را هم به کمک عبارت «مال» شدنی می‌داند و هم به کمک ساخت اضافه، مانند: این خونه مال منه؛ این خونه منه.

وی همچنین در جداسازی مالکیت انتقال‌پذیر از انتقال‌ناپذیر می‌گوید: «مال» برای نمایش مالکیت انتقال‌پذیر به کار می‌رود اما ساخت اضافه و واژه‌بست را می‌توان برای بیان هر دو گونه مالکیت به کار برد:

انتقال‌ناپذیر: دست من؛ منزلمون

انتقال‌پذیر: ماشین حسن؛ خونه‌تون

موضوع دیگری که او در ساخت ملکی بدان می‌پردازد، جدایی مالکیت «همیشگی» از مالکیت «گذرا» است. او جمله‌های ساخته‌شده با «مال» را نشان‌گر مالکیت همیشگی می‌داند، اما ساخت اضافه را هم برای بیان مالکیت همیشگی و هم مالکیت گذرا کاربردپذیر می‌شمارد:

استاد من (مالکیت گذرا)

دست من (مالکیت همیشگی)

شاید بتوان فراگیرترین پژوهش انجام‌گرفته پیرامون ساخت ملکی در زبان فارسی را از آن شریفی (۱۳۸۸) دانست که این موضوع را از دید رده‌شناختی بررسی کرده است. وی بیش‌تر شالوده کار خود را برپایه کرافت^۱ (۲۰۰۳) گذاشته است و پس از بررسی سویه‌های گوناگون موضوع، چنین نتیجه می‌گیرد که در ساخت ملکی در زبان فارسی

^۱ W. Croft

از دو راهبرد بهره گرفته می‌شود: یکی به‌کارگیری پیونده که دارای تکواژ افزوده، عناصر پیوندی آمیخته و آرایش مملوک-مالک (NG) است و دیگری وندافزایی است که فاقد تکواژ افزوده، دارای عناصر پیوندی و آرایش مملوک-مالک (NG) می‌باشد. او همچنین راهبرد به‌کارگیری پیونده را راهبرد اصلی در ساخت ملکی در زبان فارسی امروز می‌داند و می‌گوید: از نظر رده ساخت ملکی، زبان فارسی در رده زبان‌های دارای تکواژ افزوده (از نوع پیونده دستوری‌شده) برای ساخت ملکی قرار می‌گیرد.

۳. برخی یافته‌های رده‌شناختی پیرامون ساخت ملکی

۳-۱. روش‌های گوناگون ملکی‌سازی

کرافت (۲۰۰۳: ۴۵-۳۲) «مملوک» را هسته گروه اسمی ملکی و «مالک» را وابسته آن می‌داند. وی راهبردهای نمایش پیوند میان «مالک» و «مملوک» را در زبان‌های گوناگون جهان به این ترتیب دسته‌بندی می‌کند:

الف) راهبردهای ساده؛ که سه راهبرد را دربرمی‌گیرد:

- راهبرد هم‌کناری^۱ که در آن «مالک» و «مملوک» بدون دخالت هیچ تکواژ دیگری در کنار هم قرار می‌گیرند. برای نمونه در زبان کوبون^۲:

1) Dumnab ram

خانه دومناب

«خانهٔ دومناب»

- راهبرد هم‌پیوندی ساختوازی^۱ که خود بر دو روش است؛ یکی وندافزایی^۲ که «مالک» به‌صورت یک وند به «مملوک» که هستهٔ گروه است، افزوده

^۱ juxtaposition

^۲ Kobon

می‌شود. این روش بیش‌تر در مورد «مالک»های ضمیری دیده می‌شود، مانند زبان فارسی: کتابش.

اما گاهی «مالک»های اسمی نیز به‌صورت وند به «مملوک» افزوده می‌شود که این روش را آمیزش^۳ می‌نامند؛ برای نمونه در زبان کیووا^۴:

2) nó:-tó:-cègùn

سگ - برادر - م

«سگ برادرم»

- راهبرد هم‌جوشی^۵ که در آن «مالک» و «مملوک» با یکدیگر درآمیخته می‌شوند و در قالب یک واحد درمی‌آیند. این روش اگرچه کمیاب است اما در برخی زبان‌ها در واژگان خویشاوندی و «مالک»های ضمیری دیده می‌شود. برای نمونه در زبان لاک هوتا^۶:

3) ina / nihų / hųku

«مادرش» / «مادرت» / «مادرم»

ب) راهبردهای رابطه‌ای^۷؛ افزودن تکواژی برای نشان‌دادن پیوند میان «مالک» و «مملوک». تکواژهای رابطه‌ای را حالت‌نما می‌نامند و بر دو گونه هستند:

- تکواژهای وابسته که وندهای حالت‌نمیده می‌شوند؛

- تکواژهای آزاد که حرف اضافه^۸ نامیده می‌شوند.

¹ morphological concatenation

² affixation

³ compounding

⁴ Kiowa

⁵ fusion

⁶ Lakhota

⁷ relational strategies

⁸ adposition

نمونه‌ای از وند حالت ملکی از زبان روسی در (4.a) و نمونه‌ای از حرف اضافه ملکی از زبان بلغاری در (4.b) آمده است:

4) a. kniga Ivan-a

GEN-ایوان کتاب

«کتاب ایوان»

b. nova-ta kniga na majka mi

م-مادر of کتاب DEF-جدید

«کتاب جدید مادرم»

ج) راهبردهای نمایه‌ای^۱؛ پرکاربردترین تکواژهای نمایه‌ای، نشان‌گرهای مطابقت (نشان‌گرهای گذرارجاع^۲ یا نشان‌گرهای نمایه‌سازی^۳) هستند. نمایه‌ها را می‌توان به دو دسته شخصی و غیرشخصی تقسیم کرد. نمایه‌های شخصی، «مملوک» را با «مالک» آن نمایه‌سازی می‌کنند؛ برای نمونه در زبان مام^۴:

5) t- kamb^۳ meeb^۳ a

یتیم جایزه-3SG

«جایزه یتیم»

بهترین نمونه برای نمایه‌های غیرشخصی، نمایه‌سازی یک صفت یا دیگر تعریف‌گرها به‌لحاظ جنس، شمار و یا شخص با اسم هسته است؛ همانند زبان روسی:

6) mo-ja knig-a

FSG-کتاب FSG-م

«کتابم»

¹ indexical strategies

² cross-reference marker

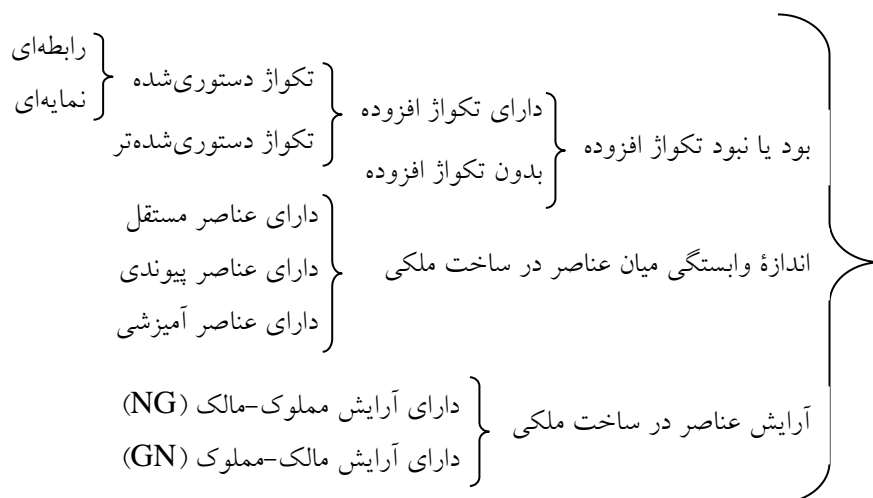
³ indexation marker

⁴ Mam

(د) راهبردهای دستوری شده‌تر؛ به کارگیری پیونده^۱ در زمره راهبردهای دستوری شده‌تر از دیگر راهبردها در ساخت ملکی به‌شمار می‌آید؛ همانند 's- در انگلیسی:

The Queen of England's dress

یا مانند تکواژ اضافه در زبان فارسی: کتاب علی شریفی (۱۳۸۸) سه ویژگی را در دسته‌بندی راهبردهای ساخت ملکی کارساز می‌داند: الف) بود یا نبود تکواژ افزوده و نوع این تکواژ؛ ب) اندازه استقلال عناصر در ساخت ملکی؛ ج) آرایش عناصر در ساخت ملکی. دو ویژگی نخست در دسته‌بندی کرافت (۲۰۰۳) در شمار آمده است. شریفی برپایه سه ویژگی نامبرده، رده‌بندی راهبردهای گوناگون ساخت ملکی در زبان‌ها را در قالب نموداری این‌گونه نشان می‌دهد:



نمودار (۱) رده‌بندی زبان‌ها برپایه سه ویژگی یافت‌شده در بررسی‌های رده‌شناختی

(شریفی، ۱۳۸۸)

¹ linker

۲-۳. مالکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر

در بسیاری از زبان‌ها میان چیزهایی که مالکیت آن‌ها می‌تواند تغییر کند (مانند خانه و جانوران) و چیزهایی که مالکیت آن‌ها تغییرناپذیر است (مانند اندام‌های تن، سایه یا رد پای شخص) جدایی گذاشته می‌شود که گونه نخست را مالکیت انتقال‌پذیر و گونه دوم را مالکیت انتقال‌ناپذیر می‌نامند. برای نمونه فعل own در زبان انگلیسی بیشتر برای نشان‌دادن مالکیت انتقال‌پذیر به‌کار می‌رود:

7) a. George owns a car.

b. * George owns a big nose.

از سوی دیگر، فعل have می‌تواند با هر دو گونه مالکیت به‌کار رود (ریچاردز^۱ و اشمیت^۲، ۲۰۱۰: ۲۷۵):

8) a. George has a car.

b. George has a big nose.

چاپل^۳ و مک‌گریگور^۴ (۱۹۹۶: ۴) انتقال‌ناپذیربودن را نشانه پیوند جدانشدنی، سرشتین و همیشگی میان مالک و مملوک می‌دانند اما انتقال‌پذیربودن را نشان‌گر پیوندی آزاد میان آن دو که همیشگی و سرشتین نیست تلقی می‌کنند (بازگفت از شریفی، ۱۳۸۸). در زبان سواحیلی^۵ مالکیت انتقال‌ناپذیر به‌صورت ساختوازی نمایانده می‌شود اما مالکیت انتقال‌پذیر به‌صورت نحوی:

9) a. baba-ngu

پدرم

b. nyumba yangu

خانه من

¹ J. C. Richards

² R. Schmidt

³ H. Chappell

⁴ W. McGregor

⁵ Swahili

در زبان چیکاسا^۱ این دو گونه مالکیت به دو صورت ساختواژی ناهمگون نشان داده می‌شوند (باسمن^۲، ۲۰۰۶: ۴۰):

10) a. sa-holba (انتقال‌ناپذیر) تصویری از من

b. a-holba (انتقال‌پذیر) عکس من (عکسی که من دارم)

در برخی زبان‌ها میان ساخت‌های ملکی انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر به‌کمک آرایش سازه تمایز گذاشته می‌شود؛ مانند زبان مالاک مالاک در شمال استرالیا که برای نمایش مالکیت انتقال‌ناپذیر از آرایش سازه GN (11.a) و برای مالکیت انتقال‌پذیر از آرایش NG (11.b) بهره‌جسته می‌شود (شوپن^۳، ۲۰۰۷: ۸۷):

11) a. yinya puntu

سر مرد

«سر مرد»

b. muyiny yinya-nö

سگ - GEN - مرد

«سگ مرد»

۴. ساخت ملکی در کردی گورانی

نگارندگان در این بخش در پی آن هستند تا به بررسی روش یا روش‌های پیوند میان «مملوک» و «مالک» در کردی گورانی بپردازند و رده این گویش را از دید ساخت ملکی شناسایی کنند. کردی گورانی برای نمایش پیوند میان «مملوک» و «مالک» از راهبرد هم‌کناری بدون دخالت هیچ تکواژ افزوده‌ای بهره می‌گیرد. داده‌های زیر گویای این واقعیت است.

¹ Chickasaw

² H. Bussmann

³ T. Shopen

- 12) a. māṭ Ali
علی خانه
«خانه علی»
- b. kawš Ali
علی کفش
«کفش علی»
- c. māṭ ima
ما خانه
«خانه ما»
- d. ban kawš
کفش بند
«بند کفش»

همان‌گونه که در این نمونه‌ها دیده می‌شود، در ساخت ملکی، نخست «مملوک» و سپس «مالک» بی‌آن‌که هیچ تکواژ دیگری میان آن‌ها قرارگیرد کنار هم می‌نشینند و ساخت ملکی را پدید می‌آورند. در همه نمونه‌های بالا، سازه نخست «مملوک» و سازه دوم «مالک» است که به سادگی کنار هم نشسته‌اند و رابطه مالکیت را به نمایش گذاشته‌اند. با این همه، راهبرد هم‌کناری را نمی‌توان تنها راهبرد ایجاد ساخت ملکی در گورانی دانست، زیرا اگر اسم «مملوک» به واژه‌های «a» یا «ā» پایان یابد وضعیت دیگری پیش می‌آید.

- 13) a. * dokma šawi
پیراهن دکمه
- b. * dasa dar
در دسته
- c. * kawš-aka Ali
علی DEF-کفش
- d. * pā men
من پا
- e. * bāwā Ali
علی پدربزرگ

در نمونه‌های (13.a) تا (13.e) دو سازه «مملوک» و «مالک» به روش هم‌کناری باهم پیوند خورده‌اند اما ساخت ملکی برآمده از آن‌ها نادرستی است (نشان * در آغاز نمونه‌ها نشانه نادرستی بودن آن‌هاست). با نگاهی به این داده‌ها درمی‌یابیم که در این

موارد همه اسم‌های «مملوک» به «a» یا «ā» پایان یافته‌اند. از این رو می‌توان گفت که اگر «مملوک» به یکی از این دو واکه پایان یابد، آن‌گاه باید راهبرد دیگری را برای ایجاد ساخت ملکی به کار برد. با افزودن تکواژ پیونده «-e» میان دو سازه در نمونه‌های (13) همه آن‌ها دستوری می‌شوند و نمونه‌های زیر پدید می‌آیند.

- | | | |
|-----|----------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| 14) | a. dokma-e šawi
پیراهن LNK-دکمه
«دکمۀ پیراهن» | b. dasa-e dar
در LNK-دسته
«دستۀ در» |
| | c. kawš-aka-e ali
علی DEF-LNK-کفش
«کفشِ علی» | d. pā-e men
من LNK-پا
«پای من» |
| | e. bāwā-e ali
علی LNK-پدربزرگ
«پدربزرگ علی» | |

برپایه آنچه گفته شد، پی می‌بریم که کردی گورانی افزون بر هم‌کناری، از راهبرد دیگری نیز برای ساخت ملکی بهره می‌برد که همانا به‌کارگیری پیونده است (که در بخش پیشین در زمره راهبردهای دستوری‌شده‌تر قرار گرفت). اگر واکه‌های دیگری به‌جز «a» و «ā» در پایان اسم «مملوک» بیاید، نمی‌توان پیونده را به کار بست و همان راهبرد هم‌کناری برای ساخت ملکی به کار می‌رود.

- | | | |
|-----|-------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| 15) | a. jāru ima
ما جارو
«جاروی ما» | b. re kermāšān
کرمانشاه راه
«راهِ کرمانشاه» |
| | c. sandali men
من صندلی
«صندلیِ من» | |

در نمونه‌های (15.a) تا (15.c) واژه‌های «مملوک» به واکه‌های «u»، «e» یا «i» پایان یافته‌اند و در ساخت ملکی آن‌ها راهبرد هم‌کناری به‌کار رفته است. به‌صورت کلی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که برای ایجاد ساخت ملکی در کردی گورانی از دو راهبرد هم‌کناری و به‌کارگیری پیونده استفاده می‌شود که گزینش آن‌ها وابسته به بافت واجی است؛ البته راهبرد هم‌کناری بسیار پربسامدتر و گسترده‌تر از روش دیگر است. همان‌گونه که در بخش سوم بیان شد، یکی از راهبردهای ملکی‌سازی، راهبرد وندافزایی است و این روش بیش‌تر هنگامی به‌کار می‌رود که «مالک» ضمیر باشد. در این روش که ماهوتیان (۱۳۹۰: ۱۴۹) از آن به‌عنوان به‌کارگیری واژه‌بست نام می‌برد، «مالک» همانند یک واژه‌بست به پایان «مملوک» می‌چسبد و هردو در قالب یک واژه واحد پدیدار می‌شوند. در کردی گورانی نیز واژه‌بست‌های ملکی یا ضمیرهای ملکی هم‌چون وندی به پایان اسم «مملوک» افزوده می‌شوند. بر این اساس، نخست فهرست ضمیرهای ملکی در جدول (۱) ارائه می‌گردد و سپس نمونه‌هایی از آن‌ها در ساخت ملکی بررسی می‌شود.

جدول (۱) ضمیرهای ملکی پیوسته در کردی گورانی

شخص-شمار	واژه به همخوان پایان یابد	واژه به واکه پایان یابد
اول شخص مفرد (1SG)	-em	-m
دوم شخص مفرد (2SG)	-et	-t
سوم شخص مفرد (3SG)	-e	-ý
اول شخص جمع (1PL)	-emān/mān	-mān
دوم شخص جمع (2PL)	-etān/tān	-tān
سوم شخص جمع (3PL)	-eýān/ ýān	- ýān

تمایز دیگری که می‌توان بدان پرداخت، تمایز میان ساخت‌های «داشتن»^۱ و «متعلق‌بودن»^۲ است که هینه^۳ (۱۹۹۷: ۲۹) به آن اشاره کرده است. او می‌گوید: در ساخت‌های «داشتن»، مالک به‌عنوان نهاد جمله و مملوک به‌عنوان متمم آن می‌آید و بر مالک تاکید می‌شود. اما در ساخت «متعلق‌بودن» مملوک در جایگاه نهاد است و مالک در جایگاه متمم یا سازه کناری آن است و تاکید و برجستگی به مملوک داده می‌شود؛ همانند:

Peter has a car. ساخت «داشتن»
 The car is Peter's. or The car belongs to Peter. ساخت «متعلق‌بودن»
 در کردی گورانی در ساخت «داشتن» از فعل «dāšten» بهره‌گیری می‌شود که صورت گذشته آن «شناسه‌ها+dēr» و صورت حال آن «شناسه‌ها+dāšt» می‌باشد. ساخت «متعلق‌بودن» نیز به کمک واژه «hin» به معنی «مال، متعلق به، از آن» به همراه فعل‌های ربطی ساخته می‌شود. هم ساخت «داشتن» و هم «متعلق‌بودن» را می‌توان برای بیان مالکیت انتقال‌پذیر به کار برد.

- 17) a. iy ketāwa hin men-a. b. men ketāw dērem.
 است-من مال کتاب این دارم کتاب من
 «این کتاب مال منه» «من کتاب دارم»

در نمونه‌های (17) «کتاب» یک «مملوک» انتقال‌پذیر به شمار می‌آید که مالکیت آن در (17.a) به کمک ساخت «داشتن» و در (17.b) به کمک ساخت «متعلق‌بودن» نمایانده شده است. ساخت «متعلق‌بودن» را نمی‌توان برای بیان مالکیت انتقال‌ناپذیر به کار برد؛ از این رو، جمله‌های (18.a) و (18.b) نادرستی هستند زیرا در آن‌ها «bāwek» به

¹ 'have'-construction

² 'belong'-construction

³ B. A. Heine

معنی «پدر» و «das» به معنی «دست» که هردو در زمره «مملوک»های انتقال‌ناپذیر هستند، به کمک ساخت «متعلق‌بودن» با «مالک» «men» به معنی «من» پیوند خورده‌اند. از سوی دیگر، بیان مالکیت انتقال‌ناپذیر اندام‌های تن به کمک ساخت «داشتن» امکان‌پذیر نیست، اما روابط خویشاوندی که از گونه انتقال‌ناپذیر هستند را می‌توان با ساخت «داشتن» بیان کرد. از این رو، جمله (19.a) که در آن مالکیت «سر» به کمک ساخت «داشتن» بیان شده، نادرستی است؛ اما جمله (19.b) که نشان‌دهنده مالکیت انتقال‌ناپذیر «برادر» می‌باشد دستوری است.

- 18) a. *iy bāweka hin men-a.
 است-من مال پدر این
 «این پدر مال من است»
- b. *das-aka hin men-a.
 است-من مال DEF-دست
 «دست مال من است»
- 19) a. *men das dērem.
 دارم دست من
 «من دست دارم»
- b. men barā dērem.
 دارم برادر من
 «من برادر دارم»

دومین ناهمگونی میان ساخت «داشتن» و «متعلق‌بودن» مربوط به معرفه یا نکره‌بودن «مالک» و «مملوک» در آن‌ها است. ساخت «داشتن» را می‌توان هنگامی که «مالک» و «مملوک» هردو معرفه (20.a) یا هردو نکره (20.b) یا «مالک» معرفه و «مملوک» نکره (20.c) باشد، به کار برد؛ اما نمی‌توان آن را برای «مالک» و «مملوک» نکره (20.d) استفاده کرد. ساخت «متعلق‌بودن» را تنها هنگامی می‌توان به کار برد که «مالک» و «مملوک» هردو معرفه باشند (21.a) یا «مالک» نکره و «مملوک» معرفه باشد (21.c). به سخن دیگر، ساخت «متعلق‌بودن» را نمی‌توان در مورد «مملوک» نکره (21.b و 21.d) به کار برد.

- 20) a. men ketāw-aka dērem.
 دارم DEF-کتاب من
 «من کتابه رو دارم»
- b. kor-e ketāw-e dēre.
 دارد IND-کتاب IND-پسر
 «پسری کتابی داره»

c. men ketāw dērem.

دارم کتاب من

«من کتاب دارم»

d. * kor-e ketāw-aka dēre.

دارد DEF-کتاب IND-پسر

«پسری کتابه رو داره»

21) a. ketāw-aka hin men-a.

است-من مال DEF-کتاب

«کتابه مال منه»

b. * ketāw-e hin men-a.

است-من مال IND-کتاب

«کتابی مال منه»

c. ketāw-aka hin kor-ēk-a.

است-IND-پسر مال DEF-کتاب

«کتابه مال پسری است»

d. * ketāw-e hin kor-ēk-a.

است-IND-پسر مال IND-کتاب

«کتابی مال پسری است»

تفاوت سوم میان ساخت‌های «داشتن» و «متعلق بودن» در آرایش سازه‌های آنهاست. در ساخت «داشتن» آرایش مالک-مملوک (GN) و در ساخت «متعلق بودن» آرایش مملوک-مالک (NG) دیده می‌شود. در نمونه‌های (20) و (21) این دو ناهمگونی را می‌توان به روشنی دید. ناهمسانی‌های میان ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» در جدول (۳) خلاصه شده است.

جدول (۳) ناهمسانی‌های میان ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» در کردی گورانی

معرفه و نکره بودن «مالک» و «مملوک»				بیان مالکیت انتقال‌ناپذیر	بیان مالکیت انتقال‌پذیر	آرایش سازه	
مملوک معرفه	مالک نکره - مملوک نکره	مملوک معرفه - مالک معرفه	هر دو نکره				
+	+	-	+	+	+	GN	ساخت «داشتن»
-	+	+	-	-	+	NG	ساخت «متعلق بودن»

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ساخت ملکی در کردی گورانی از دیدگاه رده‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های زیر به دست آمد:

- اگر «مالک» از نوع اسمی باشد برای پیوند آن با «مملوک» از دو راهبرد هم‌کناری و به کارگیری پیونده «-e» استفاده می‌شود که از میان این دو، راهبرد هم‌کناری را باید راهبرد بنیادین دانست زیرا بسامد بیشتری دارد و پیونده تنها هنگامی کاربرد می‌یابد که «مملوک» به یکی از واژه‌های «a» یا «ā» پایان یابد. عناصر ساخت ملکی در این دو راهبرد مستقل از هم هستند.
- اگر «مالک» از نوع ضمیری باشد آن‌گاه همانند وندی به پایان «مملوک» افزوده می‌گردد و راهبرد وندافزایی کاربرد می‌یابد. در این راهبرد، ساخت ملکی دارای عناصر پیوندی است.

- سه راهبرد هم‌کناری، پیونده و وندافزایی در زمره راهبردهای ساده هستند که برای ملکی‌سازی در سطح گروه به کار می‌روند و در هر سه آن‌ها آرایش سازه NG (مملوک-مالک) دیده می‌شود.

- برای ملکی‌سازی در سطح جمله، دو ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» به کار گرفته می‌شود که در اولی از فعل «dāšten» (به معنی داشتن) و در دومی از واژه «hin» (به معنی از آن، متعلق به، مال) استفاده می‌گردد. این دو ساخت ناهمسانی‌هایی باهم دارند که عبارتند از: الف) در ساخت «داشتن» آرایش سازه GN است اما در ساخت «متعلق بودن» آرایش NG است. ب) ساخت «داشتن» را می‌توان برای بیان مالکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر به کار برد اما ساخت «متعلق بودن» تنها همراه مالکیت انتقال‌پذیر کاربرد دارد. ج) ساخت «داشتن» را نمی‌توان همراه «مالک» نکره و ساخت «متعلق بودن» را نمی‌توان همراه «مملوک» نکره به کار برد.

از آن‌جا که پیش از این پژوهش‌های قابل توجهی پیرامون ساخت ملکی در زبان کردی انجام نشده است، نگارندگان به‌ناچار دستاوردهای این پژوهش را با یافته‌های مربوط به ساخت ملکی در زبان فارسی مقایسه کرده‌اند که برجسته‌ترین پژوهش پیرامون این موضوع را شریفی (۱۳۸۸) انجام داده است. شریفی (۱۳۸۸) دریافته است که زبان فارسی امروز از دو راهبرد برای ساخت ملکی استفاده می‌کند: یکی از آن‌ها از دسته راهبردهایی است که در آن‌ها افزایش تکواژ دیده می‌شود و دیگری از جمله راهبردهای ساده است که در آن‌ها هیچ تکواژی به مالک و ملک اضافه نمی‌شود. راهبرد نخست استفاده از پیونده و دومی استفاده از وندافزایی است که خود از جمله راهبردهای

پیوندی به‌شمار می‌رود. راهبرد وندافزایی ویژه مالک‌های ضمیری است (مانند «دستم، کتابت») ولی راهبرد استفاده از پیونده هم برای مالک‌های اسمی و هم ضمیری به‌کار می‌رود (مانند «دست من، دست خودش، دست علی»).

کردی گورانی از سه راهبرد در ساخت ملکی استفاده می‌کند: هم‌کناری، پیونده و وندافزایی. راهبردهای اول و دوم هم برای مالک‌های اسمی و هم ضمیری به‌کار می‌روند در حالی که راهبرد سوم تنها برای مالک‌های ضمیری استفاده می‌شود.

راهبرد اصلی در زبان فارسی راهبرد استفاده از پیونده است. از این رو، زبان فارسی از نظر رده ساخت ملکی در رده زبان‌های دارای تکواژ افزوده (از نوع پیونده دستوری‌شده) برای ساخت ملکی قرار می‌گیرد (شریفی، ۱۳۸۸). ولی راهبرد اصلی در کردی گورانی راهبرد هم‌کناری است که از جمله راهبردهای ساده (بدون تکواژ افزوده) به‌شمار می‌رود. بنابراین زبان فارسی امروز و کردی گورانی از لحاظ ساخت ملکی در دو رده جدا قرار می‌گیرند. به‌هرروی، باتوجه‌به وجود تکواژ پیونده در برخی ساخت‌های ملکی گورانی (در مواردی که اسم مملوک به یکی از واژه‌های «a» یا «ā» پایان یابد) و نیز وجود تکواژ پیونده^۱ -i در برخی از دیگر گویش‌های زبان کردی (مانند سورانی) می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً کردی گورانی در گذشته از تکواژ پیونده در ساخت ملکی خود بهره می‌برده ولی در گذر زمان دستخوش دگرگونی رده‌شناختی شده و امروزه هم‌چون زبان‌های کوبون و یوروبای^۱ در رده زبان‌هایی قرار می‌گیرد که راهبرد اصلی ساخت ملکی در آن‌ها راهبرد هم‌کناری است.

پی‌نوشت‌ها

نمادهای کوتاه‌نوشت به‌کاررفته در مقاله:

DEF: Definite IND: Indefinite FSG: Female Singular
 1SG: First Person Singular 2SG: Second Person Singular

¹ Yoruba

3SG: third Person Singular
2PL: Second Person Plural

1PL: First Person Plural
3PL: Third Person Plural

فهرست منابع

- شریفی، شهلا (۱۳۸۸) «بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۱، صص ۶۲-۴۷.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۹۰) *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه مهدی سمائی، چاپ ششم، تهران: مرکز.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۰) *دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی*، تهران: سمت.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۹۰) *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: سمت.
- Bussmann, Hadumod (2006) *Routledge Dictionary of Language and Linguistics (translated and edited by G. Trauth & K. Kazzazi)*, London & New York: Routledge.
- Chappell, Hilary & William B. McGregor (1996) "Prolegomena to a Theory of Inalienability", In Chappell & McGregor (eds.) *The Grammar of Inalienability: A Typological Perspective on Body part Terms and the Part-Whole Relation* (pp. 3-30), Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Croft, William (2003) *Typology and Universals*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Heine, Bernd (1997) *Possession: Cognitive Sources, Forces and Grammaticalization*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Richards, Jack C. & Richard W. Schmidt (2010) *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*, London: Pearson Education.
- Shopen, Timothy (2007) *Language Typology and Syntactic Description (Volume I: Clause Structure)*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Song, Jae Jung (2001) *Linguist Typology: Morphology and Syntax*, London: Pearson Education.
- Stassen, Leon (2009) *Predicative Possession*, Oxford: Oxford University Press.